

مطالعه میدانی در روان‌شناسی اجتماعی

چگونه پژوهش‌هایتان را خارج از آزمایشگاه انجام دهید؟

فهرست مطالب

مقدمه مترجم	۹
مطالعه میدانی در روان‌شناسی اجتماعی	۱۱
۱ آیا روان‌شناسی اجتماعی همچنان دانش رفتار انسان است؟	۱۳
۲ یک آزمایش کاملاً طبیعی	۲۹
۳ مطالعه میدانی در روان‌شناسی اجتماعی	۴۰
۴ آزمایش میدانی در مقایسه با سایر روش‌های پژوهش	۷۲
۵ اعتبار درونی و بیرونی: دوست یا دشمن؟	۹۳
۶ جنبه‌های اخلاقی مطالعات میدانی	۱۰۹
۷ چه کسانی باید در مطالعه شرکت داده شوند؟؛ مشکل تصادفی‌سازی در مطالعات میدانی	۱۳۰
۸ تأثیر زمینه اجتماعی مطالعات	۱۴۶
۹ رویه‌های بی‌دقت به‌عنوان منبع واریانس خطا	۱۶۱
۱۰ متغیرهایی که (معمولاً) در رویه آزمایش نادیده گرفته می‌شوند، اما روی نتایج آزمایش تأثیر می‌گذارند	۱۷۴
۱۱ مطالعات اینترنتی به‌مثابه حضور در محیط طبیعی برای بررسی کنش‌های متعدد انسان مدرن	۱۹۰
۱۲ انتشار یافته‌ها	۲۰۵
۱۳ بازآزمایی‌ها	۲۲۴
۱۴ حوزه‌هایی که مطالعات میدانی در آن‌ها همچنان مورد استفاده است	۲۵۰
۱۵ توصیه‌های عملی	۲۶۴
۱۶ نکات پایانی	۲۸۰
منابع	۲۸۴
واژه‌نامه انگلیسی به فارسی	۳۰۰

مقدمه مترجم

به نام خدا

روانشناسی اجتماعی غالباً به عنوان علم مطالعه اثر موقعیت‌های اجتماعی واقعی یا تصور شده بر افکار، هیجانات و رفتارهای افراد تعریف شده است. مهم‌ترین موضوعات مطرح در روان‌شناسی اجتماعی عبارت از ادراک، نگرش و قانع‌سازی، تصور قالبی، پیشداوری و تبعیض، خود اجتماعی، نفوذ اجتماعی، فرآیندهای گروهی، رفتارهای نوع‌دوستانه، پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی، روابط میان‌فردی نزدیک و شناخت اجتماعی است. روان‌شناسان اجتماعی به نحوه‌ای که افراد به عنوان اشخاص منحصربه‌فرد یا اعضای گروه‌های اجتماعی یکدیگر را درک و با هم تعامل می‌کنند علاقه‌مند هستند. سطوح تحلیل مورد توجه در این رشته عبارت از خود (درون‌فردی)، میان‌فردی، درون‌گروهی و میان‌گروهی است. علی‌رغم سابقه طولانی این گرایش از روان‌شناسی در دنیا، روان‌شناسی اجتماعی از سابقه بسیار کوتاهی به عنوان رشته دانشگاهی در ایران برخوردار است. از این رو، جست‌وجو و ترجمه کتاب‌های مرتبط با مفاهیم یا روش‌های اساسی این رشته از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و کمک شایانی به پیشبرد آموزش و پژوهش در این رشته در کشورمان می‌کند.

اغلب مطالعات روان‌شناسی اجتماعی از نوع آزمایشی است که در آن‌ها عامل یا عوامل مشخصی به عنوان متغیر مستقل دستکاری شده و اثر آن بر متغیر یا متغیرهای وابسته مورد سنجش قرار می‌گیرد. نظر به تعریفی که از روان‌شناسی اجتماعی در ابتدای متن مقدمه ارائه کردم، قابل پیش‌بینی است که روان‌شناسان اجتماعی علاقه خاصی به دستکاری کردن جنبه‌های مختلفی از محیط و ثبت اثر آن بر افکار، هیجانات یا رفتارهای افراد در پاسخ به آن موقعیت‌ها داشته باشند. مطالعات آزمایشی می‌توانند از نوع آزمایشگاهی یا میدانی باشند. این دو نوع مطالعه از نظر مکانی که مطالعه در آن‌ها انجام می‌گیرد از یکدیگر متمایز می‌شوند. مطالعات آزمایشگاهی در محیط آزمایشگاه، اما مطالعات میدانی در خارج از آزمایشگاه، یعنی در محیط‌های طبیعی زندگی روزمره افراد، انجام می‌گیرد. از جمله محیط‌های طبیعی رایج، محیط کار، محیط تحصیل، مراکز عمومی مانند مراکز خرید و حتی خیابان‌ها و صف‌های انتظار هستند. طراحی و اجرای مطالعات میدانی علی‌رغم دشوارتر و هزینه‌برتر بودن نسبت به مطالعات آزمایشگاهی، ارزشمند و ضروری است. یک دلیل این امر آن است که مطالعات میدانی از اعتبار بوم‌شناختی بیشتری نسبت به مطالعات آزمایشگاهی برخوردار هستند. مطالعات آزمایشگاهی علی‌رغم برخوردار بودن از کنترل بیشتر، به دلیل اجرا در محیط مصنوعی آزمایشگاه، آگاهی شرکت‌کنندگان از

مورد آزمون بودن و نیز محدود بودن گروه نمونه به دانشجویان مشغول به تحصیل در مرکزی که آزمایشگاه در آن واقع است، غالباً تعمیم‌پذیری کمتری نسبت به مطالعات میدانی دارند. از این رو است که مطالعات میدانی افزونه مهمی به روان‌شناسی اجتماعی محسوب می‌شوند. مطالعات میدانی به‌خصوص در روان‌شناسی اجتماعی کاربرد مورد توصیه و علاقه هستند. روان‌شناسی اجتماعی کاربرد زیرشاخه‌ای از روان‌شناسی اجتماعی است که به طور خاص بر کاربرد مفاهیم و نظریات روان‌شناسی اجتماعی جهت حل مسائل مطرح در حوزه‌های مختلف زندگی واقعی متمرکز است. از جمله معروف‌ترین حوزه‌های کاربرد آن، آموزش و پرورش، محیط زیست، حمل و نقل، رسانه، سلامت، حقوق و جزا، اقتصاد، ورزش و سازمان است. در روان‌شناسی اجتماعی کاربردی، به دستکاری‌های انجام‌شده مداخله گفته می‌شود. مداخلات انواع و فنون شناخته‌شده‌ای دارند و بر مبنای نظریات مطرح در روان‌شناسی اجتماعی طراحی و اجرا می‌شوند.

نویسندگان کتاب حاضر از اساتید روان‌شناسی اجتماعی در دانشگاه‌های مطرح لهستان هستند که به طور تخصصی در زمینه نفوذ اجتماعی سابقه انتشارات و فعالیت پژوهشی و ترویجی دارند و از پژوهشگران میدانی در روان‌شناسی اجتماعی کاربردی هستند. ایشان در این کتاب به تشریح روش میدانی در قالب تاریخچه و فراز و نشیب استفاده از مطالعات میدانی در روان‌شناسی اجتماعی، توصیف نمونه‌هایی از این نوع مطالعه، جنبه‌های اخلاقی مطرح در آن، اعتبار این روش پژوهش، مسائل و چالش‌های مطرح و اقدامات مورد نیاز و مطالعات بر بستر اینترنت پرداخته‌اند. علی‌رغم پیچیدگی نسبی متن و طولانی بودن جملات کتاب به تبع غیر انگلیسی‌زبان بودن نویسندگان، مترجمان کتاب حاضر برای روان و قابل فهم نمودن جملات و یافتن معادل‌هایی که به بهترین شکل مفهوم واژه‌ها را در روان‌شناسی اجتماعی نمایندگی می‌کنند تلاش خود را نموده‌اند. امید است که این تلاش مقبول دانشجویان، همکاران و پژوهشگرانی که در صدد استفاده از این کتاب به عنوان راهنمای تدریس یا پژوهش‌های میدانی خود هستند واقع شود. کتاب حاضر می‌تواند به عنوان منبع برای درس‌هایی مانند روان‌شناسی اجتماعی کاربردی مقطع کارشناسی روان‌شناسی یا دروس مرتبط با روان‌شناسی اجتماعی در مقاطع تحصیلات تکمیلی مورد استفاده قرار گیرد و یا مورد استفاده پژوهشگرانی که در صدد بهره‌گیری از روش میدانی در مطالعات خود هستند واقع شود. در انتها، مترجمان کتاب فرصت را مغتنم شمرده و از دست‌اندرکاران محترم انتشارات ارجمند بابت همراهی دانشمندان و دلسوزانه‌شان در مسیر تهیه و انتشار این کتاب تشکر و قدردانی می‌نمایند.

پگاه نجات

روان‌شناس اجتماعی و عضو هیأت علمی

گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دی ماه ۱۴۰۲

تهران

مطالعه میدانی در روان‌شناسی اجتماعی

کتاب حاضر معرفی جامعی از مطالعه میدانی به‌عنوان یک روش پژوهش در روان‌شناسی اجتماعی ارائه کرده و بیان می‌کند که این نوع مطالعه جزء مهمی از روان‌شناسی اجتماعی معاصر به‌شمار می‌رود. این کتاب پژوهشگران را تشویق می‌کند تا این روش را با رعایت صحت روش‌شناختی و ملاحظات اخلاقی آن به کار بگیرند.

به گفته نویسندگان کتاب، مطالعات میدانی در روان‌شناسی اجتماعی معاصر یک عنصر به‌شدت مهم و ضروری است، به‌طوری که کنار گذاشتن آن موجب فقدان بزرگی در این رشته خواهد شد. آن‌ها با بررسی نمونه‌های موفق مطالعه‌های میدانی (مانند مطالعه آقا و خانم شریف، مطالعه اطاعت هفلینگ و مطالعه تصورات قالبی در مورد چینی‌ها که توسط لابی‌یر انجام شد) مزایا و محدودیت‌های این روش را واکاوی می‌کنند و در عین حال برای به‌کار بستن این روش در آزمایش‌های حال و آینده راهنمایی‌هایی کاربردی ارائه می‌دهند. این کتاب همچنین تاریخ مطالعه میدانی و افول آن - که در نتیجه بروز بحران بازآزمایی رخ داد- را نقل می‌کند. کتاب حاضر با نشان دادن اهمیت مطالعه رفتار آزمودنی‌ها در زندگی واقعی به جای بررسی صرف آن در شرایط آزمایشگاهی، در باب ضرورت احیای این‌گونه مطالعات استدلال می‌کند؛ چرا که نتایج مطالعات به متغیرها و پدیده‌های پژوهشی مشخصی دلالت دارد که ثبت داده‌های آن‌ها صرفاً با استفاده از مطالعات میدانی امکان‌پذیر است. نویسندگان در بخش پایانی کتاب، رویه‌های لازم‌الاجرا برای انجام مطالعه‌های میدانی را شرح می‌دهند؛ روش‌هایی که با اجرای آن‌ها از سه امر اطمینان حاصل می‌کنیم: یکی اینکه مطالعه‌مان به لحاظ روش‌شناختی درست باشد، دوم این که معیارهای مربوط به انتظارات امروزی در مورد محاسبات آماری را برآورده کند و سوم این که پژوهش‌مان با رعایت اصول اخلاقی مربوطه انجام شده باشد.

مطالعه این کتاب برای دو گروه ضروری است: یکی دانشجویان دوره‌های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی روان‌شناسی اجتماعی و همچنین استادان این رشته که در حال گذراندن درس‌های مربوط به روش پژوهش هستند. گروه دوم پژوهشگرانی هستند که می‌خواهند از مطالعه میدانی در پژوهش‌هایشان استفاده کنند.

توماس گِرزِب^۱ استاد دانشگاه علوم انسانی و علوم اجتماعی در دانشکده وروتسلاف و رئیس فعلی «انجمن روان‌شناسی اجتماعی لهستان» است. حوزه اصلی علاقه او نفوذ اجتماعی و فنون دستکاری آن است. او همچنین حامی دوره‌هایی است که با موضوع «اصول مطالعات سازماندهی شده نفوذ اجتماعی» برای افسران نظامی دخیل در امور عملیات روانی برگزار می‌شود. گرزب چندین مقاله درباره بازاریابی و حوزه‌های مختلف روان‌شناسی از قبیل روان‌شناسی اجتماعی، تبلیغات و آموزشی منتشر کرده است.

داریوژ دِلینسکی^۲ استاد دانشگاه علوم انسانی و علوم اجتماعی در دانشکده وروتسلاف و سردبیر «خبرنامه روان‌شناسی لهستانی^۳» است. او سابقه ریاست بر «انجمن روان‌شناسی اجتماعی لهستان» و «کارگروه روان‌شناسی فرهنگستان علوم لهستان» را نیز دارد. دولینسکی کتاب «فنون نفوذ اجتماعی» (راتلج، ۲۰۱۶) را به‌تنهایی و کتاب «روان‌شناسی اجتماعی اطاعت در برابر مرجع قدرت» (راتلج، ۲۰۲۰) را به همراه گرزب تألیف کرده است.

1 Tomasz Grzyb
2 Dariusz Dolinski
3 Polish Psychological Bulletin

۱ آیا روان‌شناسی اجتماعی همچنان دانش رفتار انسان است؟

در مجلات روان‌شناسی اجتماعی در سراسر جهان هر روزه هزاران مقاله منتشر می‌شود. این مقاله‌ها اغلب شامل این موارد می‌شوند: مطالعات نظری، مطالعات مروری‌ای که یافته‌های پژوهشی مرتبط با برخی از جنبه‌های رفتار انسان (و در مورد روان‌شناسی حیوانات و مرتبط با جنبه‌های رفتار حیوانات) را در برمی‌گیرند و همچنین گزارش‌هایی که پژوهشگران از پژوهش‌های تجربی‌شان تهیه می‌کنند. بعضی از این مقاله‌ها جذابیت بیشتری دارند و بعضی کمتر. به بیان دیگر، مقالات مذکور هم از نظر موضوع و هم از نظر کیفیت تفاوت دارند. با این حال گاهی مقالاتی یافت می‌شود که با خود روان‌شناسی سروکار دارد. اگر این مقالات را متخصصان روان‌شناسی علمی بخوانند، معمولاً به این فکر می‌افتند که آیا در کاری که انجام می‌دهند (و اغلب سال‌هاست که انجام داده‌اند)، اساساً منطقی وجود دارد؟ در سال ۲۰۰۷ در مجله «رویکردهایی به دانش روان‌شناختی»^۱ نمونه‌ای از این مقالات منتشر شد. نویسندگان این مقاله - روی باومیستر، کاتلین و هس و دیوید فاندلر برای مقاله‌شان عنوانی عجیب و بحث‌برانگیز مطرح کردند: «روان‌شناسی به‌مثابه علم خودگزارش‌دهی و دانش حرکت انگشتان». این سه نویسنده به این مطلب اشاره می‌کنند که اگرچه خود روان‌شناسان هم این رشته را به‌عنوان دانش رفتار تعریف کرده‌اند، در حال حاضر رفتار دیگر کانون توجه آن‌ها نیست. درحالی‌که روان‌شناسان حوزه‌های حیوانات و رشد واقعاً به مشاهده و تحلیل رفتار می‌پردازند (شاید به این خاطر که نمی‌توانند سوژه‌هایشان - یعنی حیوانات و بچه‌های کوچک و بی‌سواد - را وادار به پرسش کردن پرسش‌نامه کنند!!)، در مورد روان‌شناسی اجتماعی این‌گونه نیست و رفتارها به‌ندرت از پرسش‌نامه، فشردن دکمه‌های صفحه کلید رایانه یا کلیک کردن روی دکمه‌های موس فراتر می‌رود. باومیستر و همکارانش در آن زمان جدیدترین شماره مجله‌های «روان‌شناسی اجتماعی و شخصیت» و «روان‌شناسی اجتماعی» را بررسی کردند و از تحلیل‌هایشان این‌گونه نتیجه گرفتند: «این‌که عناوین مقالات مذکور بیان‌کننده پیشرفت‌های مهمی هستند انکارناپذیر است. همچنین باید اذعان کرد که روش‌های به کار رفته و بحث‌های مطرح شده در آن‌ها موشکافانه و تأمل‌برانگیز است. سردبیران،

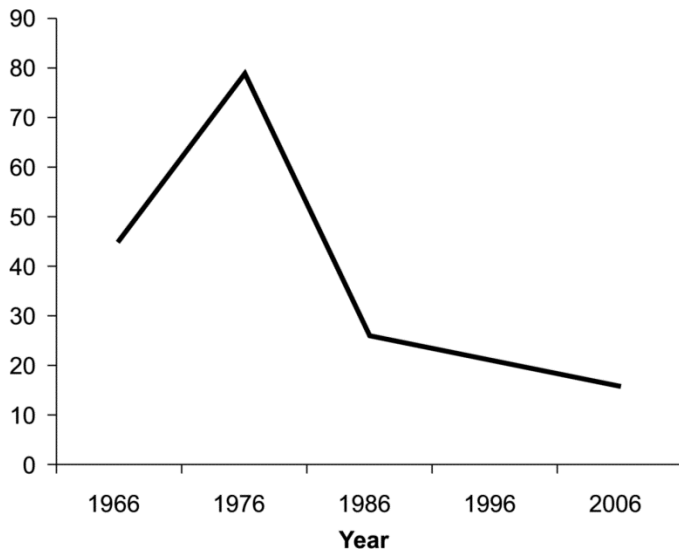
داوران و نویسندگان همگی وظایفشان را به‌خوبی انجام داده‌اند؛ اما مسئله این است که در این مقالات به دشواری می‌توان ردپایی از رفتار پیدا کرد». باومیستر و همکارانش اذعان داشتند که حتی اگر نویسندگان مقالات، رفتار را کاویده باشند، امر مسلم آن است که «تقریباً در همه موارد، رفتار انسان در وضعیت نشسته و معمولاً در مقابل یک رایانه انجام شده و اغلب کنش‌های انسانی، شامل حرکات انگشتان، مانند ضربه زدن به صفحه کلید و علامت‌گذاری با مداد بوده است» (ص ۳۹۷).

آیا گفته این سه نفر درست است؟ آن‌ها با تحلیل صرفاً یک شماره از مجلات به چنین نتیجه‌ای رسیدند. این امر شاید به دلیل مواجهه با مقالات خاصی باشد که نمایانگر وضعیت کلی این رشته نبودند؛ بنابراین یکی از نویسندگان کتاب حاضر (دولینسکی، ۲۰۱۸) تصمیم گرفت تا کل شماره‌های یک دوره مجله روان‌شناسی اجتماعی و شخصیت (شش شماره از آن) را به‌صورت روشمند بررسی کند. دولینسکی در آن زمان جدیدترین دوره مجله مذکور یعنی شماره ۱۱۳ که به نیمه دوم سال ۲۰۱۷ مربوط می‌شد را انتخاب کرد. این دوره شامل ۴۹ مقاله می‌شد که چهار مورد از آن‌ها ماهیت پژوهشی نداشتند. تعداد مقالاتی که - به جز تکمیل پرسش‌نامه‌ها و پاسخ به سؤالات - بیانگر پژوهش‌هایی در رفتار واقعی انسان بودند، به‌عنوان یک متغیر وابسته در نظر گرفته شد که در میان آن مقالات، تنها چهار مقاله از این ویژگی برخوردار بودند. عدد مذکور به این معناست که کمتر از نُه درصد آن مقالات به رفتارهای واقعی پرداخته‌اند. در این مورد نسبت مطالعات رفتاری به مجموع مطالعات تحلیل شده، احتمالاً گویاتر خواهد بود. از مجموع ۲۹۰ مطالعه این مجله فقط ۱۸ مقاله (حدود شش درصد) با رفتار ارتباط داشت. برای وضوح بیشتر به نوع رفتارهای مورد مطالعه هم نگاهی می‌اندازیم. جونز و پاولوس (۲۰۱۷) به بررسی فریبکاری پرداختند. شرکت‌کنندگان این مطالعه یا از نقص در یک برنامه رایانه‌ای منتفع شده بودند و یا در مورد دستاوردهایشان اغراق می‌کردند. در مطالعه چو، هالوا، گالینسکی و مورنینگان (۲۰۱۷) رفتار مورد نظر شامل چند تکلیف بود که توسط شرکت‌کنندگان انجام می‌شد و در یکی از این آزمایش‌ها رفتار با روند حل «دوراهی زندانی»^۱ ارتباط داشت. ساوانی و جاب (۲۰۱۷) نیز پشتکار شرکت‌کنندگان در حل کردن تکالیف شناختی را آزمودند. بنابراین همان‌طور که قابل ملاحظه است همه این مطالعات رفتارهایی را می‌کاویدند که با همان الگوی انسان پشت میز و انگشتان متحرک همخوانی داشت! در کل مقالات تنها یک مطالعه (!) یافت شد که در آن روان‌شناسان رفتار را به روشی دیگر بررسی کرده بودند. این مطالعه توسط نیل، ڈربین، گورنیک و لو (۲۰۱۷) انجام شده بود که در آن تعامل‌های اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی مورد مشاهده قرار گرفته بود. باومیستر، هس و فاندرا احتمالاً این‌طور خواهند گفت که این مورد استثنا هم فقط به این خاطر رخ داده که کودکان پیش‌دبستانی قادر به پر کردن پرسش‌نامه نبوده‌اند تا بدین وسیله از آن‌ها بپرسیم که کدام

تعاملات اجتماعی را ترجیح می‌دهند. با این حال ترجیح ما این است که با ذهنی گشوده بر این باور بمانیم که نویسندگان این مقاله واقعاً قصد بررسی رفتارهای واقعی کودکان را داشته‌اند و یک مورد استثنا نبوده‌اند.

حال این پرسش مطرح می‌شود که علت روی‌گردانی اساسی روان‌شناسی اجتماعی از پژوهش‌های رفتاری چیست؟ طبق برآورد باومیستر، وهس و فاندر (۲۰۰۷) ۸۰٪ از مقالات مجله روان‌شناسی اجتماعی و شخصیت در سال ۱۹۷۶ به پژوهش‌های رفتاری اختصاص داشت. یک دهه بعد درصد مذکور به میزان بیشتر از سه برابر کمتر شد! سپس به طور مداوم و تدریجی کاهش یافت تا این‌که در سال ۲۰۰۶ به عدد فقط چند درصد رسید. حدود یک دهه بعد مشخص شد که عملاً دیگر چنین پژوهش‌هایی را نمی‌توان یافت (دولینسکی، ۲۰۱۸).

آیا این احتمال وجود دارد که مقاله‌های رفتاری در ژورنال‌های دیگری غیر از این مجله به چاپ رسیده باشند؟ تحلیل شماره‌های برخی مجلات پیشرو در حوزه روان‌شناسی اجتماعی از قبیل «خبرنامه روان‌شناسی اجتماعی و شخصیت»، «مجله اروپایی روان‌شناسی اجتماعی» و «دانش روان‌شناسی اجتماعی و شخصیت» گواه این است که این مجلات نیز از نظر موضوع مورد علاقه ما با مجله مورد اشاره تفاوتی ندارند. در همه این ژورنال‌ها مطالعاتی که در آن‌ها علل رفتار انسان بررسی می‌شدند فقط چند درصد از کل مطالعات را به خود اختصاص دادند (دولینسکی، ۲۰۱۸).



شکل ۱-۱ درصد مطالعات مربوط به مجله روان‌شناسی اجتماعی و شخصیت که به رفتار اختصاص داشته.

صرف نظر از وقوع انقلاب شناختی، به نظر می‌رسد که در دهه‌های اخیر گرایش دانش روان‌شناسی به‌جای تعیین روابط علت و معلولی (هنگام وقوع یک رفتار خاص)، به سازوکارهای روان‌شناختی فعال‌ساز رفتارها معطوف شده است. به بیان دیگر، روان‌شناسی پا به مسیری گذاشته که در آن با افراد به‌عنوان فاعل کنش‌های خودشان رفتار می‌کند و بر این موضوع متمرکز شده که چرا افراد در یک موقعیت خاص به روش مشخصی رفتار می‌کنند. البته در راستای توسعه روان‌شناسی به‌عنوان یک حوزه دانشی مرتبط با انسان، روند مذکور مسیر بسیار مطلوبی است، اما این فرض که تبیین چرایی رفتار از بررسی علل آن مهم‌تر است موجب شده است که روان‌شناسان از بررسی رفتار در معنای واقعی آن فاصله بگیرند. این‌طور می‌توان گفت که روان‌شناسی مدرن تقریباً همه چیز را تبیین می‌کند به جز رفتار. به باور ما در بیشتر مواقع رفتار نه تنها قضاوت‌ها، باورها و سوگیری‌ها را توضیح می‌دهد، بلکه حتی می‌تواند فرایندهای تبیین را نیز توضیح دهد.

به نظر ما همان قدر که واکنش‌های غیر کلامی به‌عنوان رفتار محسوب می‌شوند، رفتارهای کلامی نیز این‌گونه هستند. بنابراین وقتی روان‌شناسی اجتماعی باورها، قضاوت‌ها و نظرات انسان‌ها را بررسی می‌کند، در واقع در حال بررسی رفتار آن‌هاست که البته در این مورد اختلاف نظری وجود ندارد. علاوه بر این ابداً بر این باور نیستیم که رفتار کلامی نسبت به سایر واکنش‌های انسان مرتبه پایینی دارد. رفتارهای کلامی بدون شک زیرمجموعه‌ای از رفتارهای متنوع انسانی هستند. روان‌شناسی اجتماعی بی‌تردید باید به این واکنش‌های انسانی توجه نشان دهد که این کار را هم به شیوه‌ای بسیار متمرکز و به نظر ما مؤثر انجام می‌دهد. اما این توجه به این معنی نیست که مطالعه روی سایر زیرمجموعه‌های رفتار انسانی - یعنی آن دسته از مطالعاتی که از اظهارات شفاهی شرکت‌کنندگان فراتر می‌رود - را باید متوقف کنیم. وقتی کسی به این پرسش پاسخ می‌دهد که «آیا در شرایط توصیف شده به فردی که در پیاده‌رو افتاده کمک می‌کنید؟»، باید آگاه باشیم که در واقع آنچه مورد مطالعه قرار می‌گیرد اظهارات فرد در مورد رفتارهای نوع‌دوستانه بالقوه‌اش است، نه خود رفتارهای نوع‌دوستانه او. ما با این امر که مطالعه چنین اظهاراتی می‌تواند جالب توجه و حائز اهمیت باشد موافقیم، اما توجه به این نوع مطالعات نباید منجر به آن شود که روان‌شناسان اجتماعی علاقه‌شان به این مسئله را رها کنند که «آیا فرد در یک موقعیت خاص واقعاً پیشنهاد کمک می‌دهد یا خیر؟». موضوع مورد مخالفت ما مسئله‌ای است که آن را «جایگزینی با روش‌شناسی» می‌نامیم، یعنی این‌که به‌جای مطالعه رفتار نوع‌دوستانه، باورهای فرد در مورد میزان نوع‌دوستی خودش را مطالعه کنیم یا این‌که به‌جای آن‌که صداقت انسانی را بررسی کنیم، از افراد بپرسیم که وقتی در یک موقعیت وسوسه می‌شوند چگونه رفتار خواهند کرد؟ به نظر می‌رسد که ما در مورد مطالعات روان‌شناسان رفتاری - یعنی «شرکت‌کنندگان نشسته روی صندلی که انگشتانشان را روی صفحه کلید حرکت می‌دهند» - در مقایسه با باومیستر، وهس و فاند